

عنوان مقاله:

نقد کاربرد نظریه مازلو در ایجاد یک معماری با هویت اسلامی

محل انتشار:

اولین کنگره بین المللی افق های جدید در معماری و شهرسازی (سال: 1393)

تعداد صفحات اصل مقاله: 8

نویسندگان:

حسام الدین کاظمی - دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مرمت و احیای بناها و بافتهای تاریخی دانشگاه شهید بهشتی

احمد اصغریان جدی - دانشیار گروه تاریخ معماری و مرمت دانشگاه شهید بهشتی

خلاصه مقاله:

تمدن برای رفع نیازهای انسانی ساکنانش پدید می آید. درسرزمین ایران، اندیشه اسلامی یکی از مهمترین عوامل موثر بر هویت معماری است. حوزه گسترده این اندیشه در ارتباط باعالم غیب و احکام فقهی، رفتار و روابط انسان ها را شکل میدهد. به همین دلیل است که ایجاد یک معماری با هویت اسلامی در دنیای مدرن، بدون نقد و اصلاح مبانی نظری موجود از دیدگاه این شریعت مقدس امکان پذیر نیست. بعلت رابطه مستقیم انسان و معماری و همچنین لزوم طراحی محیط بر مبنای رفع نیازهای انسانی، معماران همیشه به دنبال الگویی از انسان بوده اند که با ساخته های خود، او را به سمت کمال و تعالی نهایی اش سوق دهند. در این مواقع الگویی که بیشترین رواج و استفاده را دارد مبتنی است بر نظریه ابراهام مازلو 1970 - 1907 روانشناس انسانگرا، که نسبت به دیگر نظریه ها و مکاتب روانشناسی کاملتر و پرنفوذتر به نظر می رسد. از این رو در این نوشتار ابتدا با روش کتابخانه ای به بررسی نظریه انسان خودشکوفای مازلو و نظریه انسان کامل اسلام که برگرفته شده از نظرات علمایی چون امام خمینی، علامه طباطبایی و شهید مطهری است می پردازیم. سپس این دو نظریه را مقایسه تطبیقی کرده و تشابهات و تفاوتهای آنها را در دو سطح مبنایی و نهایی مشخص می نماییم و در نهایت کاربرد نظریه مازلو را در ایجاد یک معماری با هویت اسلامی، مورد بررسی قرار می دهیم. نتایج این پژوهش محدوده و میزان استفاده از نظریه ی مازلو را تعیین می کند و نکاتی را متذکر می شود که ضمن بهره گیری از آن، کمترین آسیب متوجه معماری اسلامی- ایرانی ما گردد .

کلمات کلیدی:

معماری ، نیازهای انسان ، مازلو ، مبانی نظری ، اسلام

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/380929>

